

A Critical Approach to the Portrayal of Hazrat Zahra (PBUH) in Three Editions of the Encyclopedia of Islam, Leiden

Fatemeh Janahmadi 

Professor of History, Department of History, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University
Tehran, Iran. f.janahmadi@modares.ac.ir

Received: 2023/12/14

Received in Revised Format: 2024/01/13

Accepted: 2024/01/30

Published: 2024/03/20

Abstract

The history of Islam has a long-standing connection with the culture of Orientalism. Since ancient times, understanding Islam has been the foundation of the Islamic East, and the main pillar of familiarity in the field of Islamic history goes back to understanding the life, tradition, and times of the Messenger of God (PBUH), his family, and his companions. This connection has led many Orientalists to seek to understand Islam and explain its foundations, as well as to analyze aspects of the life of the Messenger of God (PBUH) and his family, especially the daughter of the Messenger of God (PBUH), Fatima Zahra (PBUH), as a model of behavior for Muslim women. This is, for various reasons, including her relative relationship with the Messenger of God (PBUH), as well as her wife of his successor, Ali ibn Abi Talib (PBUH), and the mother of Hassan and Hussein (PBUH), and also influenced by her unique personality in the history of Islam, understanding Hazrat Zahra (PBUH) has been essential and mandatory for Orientalists because she was a political and religious activist, especially in important historical events after the death of the Messenger of God (PBUH). One of the most important historical studies that can provide a scientific picture of Hazrat Zahra (PBUH) are encyclopedias, which, in addition to their broad general audience, also include mid-level specialists. This article aims to answer the question of who the authors of the Fatima Zahra (PBUH) entry are and what approach and method they used in explaining and compiling the entry in question. What image did they present of Fatima Zahra? What are the characteristics and components of the entries in question? Has the fear of Islam and the ignorance of its principles and branches not caused orientalists to misunderstand the history of Islam? Were the authors of the second edition influenced by the discourse of Islamophobia? What are the characteristics and components of the entries in question? Due to the historical nature and critical approach, the study method in this article will be historical criticism, relying on description and analysis of data beyond dogmatic interpretations and narratives.

Cite as: A Critical Approach to the Portrayal of Hazrat Zahra (PBUH) in Three Editions of the Encyclopedia of Islam, Leiden. Iranian History of Culture. 2024; 1(1): 99-122.

Owner and Publisher: University of Tabriz

Journal ISSN (online):3060-8066

Access Type: Open Access

DOI: 10.22034/IHC.2024.19228

رهیافت انتقادی به تصویر سازی حضرت زهرا(س) در سه ویراست دائرةالمعارف اسلام چاپ لیدن

فاطمه جان احمدی 

استاد تاریخ گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران f.janahmadi@modares.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۳ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۱

چکیده

روابط تاریخ اسلام با فرهنگ شرق شناسی پیوندی دیرینه دارد. از دیرباز شناخت اسلام پایه و اساس شرق شناسی بوده است و رکن اصلی معرفت یابی در حوزه تاریخ اسلام به شناخت سیره، سنت و زمانه رسول خدا(ص) و اهل بیت ایشان و صحابه به معنای وسیع آن باز می گردد. همین پیوستاری معنایی موجب شده است تا خاورشناسان متعددی بدنبال شناخت اسلام و تشریح مبانی آن و نیز واکاوی زوایای حیات رسول خدا (ص) و اهل بیت علیهم السلام بویژه دختر رسول خدا (ص) فاطمه زهرا(س) به مثابه اسوه رفتاری جامعه زنان مسلمان بپردازند. این درحالی است که به دلایل مختلف از جمله ارتباط نسبی با رسول خدا(ص) و همسری وصی او علی بن ابی طالب (ع) و مادری حسنین (علیهما السلام) و نیز متأثر از شخصیت بی بدیل او در تاریخ اسلام به مثابه کنش گری سیاسی و مذهبی بویژه در بزنگاه تاریخی پس از رحلت رسول خدا (ص) شناخت حضرت زهرا را برای مستشرقین ضروری نموده است. یکی از مهمترین تحقیقات آکادمیک و شاید سهل الوصول ترین مطالعات تاریخی که می تواند تصویری علمی از حضرت زهرا(ص) ارائه دهد، دائرةالمعارف ها هستند که ضمن وسعت مخاطبان عام، متخصصان سطوح میانی را نیز شامل می شوند. این مقاله قصد دارد تا ضمن بررسی مدخل های فاطمه زهرا(س) در دائرةالمعارف های اسلام چاپ قدیم و جدید و بریتانیکا، ایرانیکا، دائرةالمعارف دین، قرآن و دائرةالمعارف اسلام و مسلمانان، به این سوالات پاسخ دهد که نویسندگان مدخل فاطمه زهرا(س) چه کسانی هستند؟ آنان چه رویکرد و روشی در تشریح و تدوین مدخل مورد نظر داشته اند؟ و چه تصویری از فاطمه زهرا(س) ارائه داده اند؟ شاخصه ها و مولفه های مدخل های مورد نظر چیستند؟ آیا ترس از اسلام و ناشناختگی از اصول و فروع آن موجبات بدفهمی مستشرقان از تاریخ اسلام را بوجود آورده است؟ آیا نویسندگان ویراست دوم تحت تاثیر گفتمان اسلام فوبیا و یا نویسندگان ویراست نخست بوده اند؟ شاخصه ها و مولفه های مدخل های مورد نظر چیست؟ به دلیل ماهیت تاریخی و رویکرد انتقادی روش مطالعه در این مقاله روش تاریخی Historical criticism متکی بر توصیف و تحلیل داده است و این روش فراتر از تفسیرها و روایت های جزئی خواهد بود.

کلیدواژه ها: فاطمه زهرا (س) - خاورشناسان - دائرةالمعارف اسلام - مطالعه انتقادی - هنری لامنس، لائورا

وچا والی پری - ورناکلم

نحوه ارجاع: "رهیافت انتقادی به تصویر سازی حضرت زهرا(س) در سه ویراست دائرةالمعارف اسلام چاپ لیدن". تاریخ فرهنگ ایران. ۱۴۰۳: ۹۹-۱۲۲. (۱)۱

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه تبریز

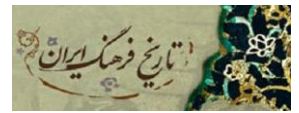
شاپای الکترونیکی: ۸۰۶۶-۳۰۶۰

نوع دسترسی: آزاد

DOI: 10.22034/IHC.2024.19228

خاورشناسی یکی از منظومه‌های مطالعات وسیع شرق است که به دلیل دامنه دار بودن موضوعات متنوع آن نمی‌توان بطور دقیق تاریخی را برای خاستگاه آن بر شمرد؛ هرچند به دلیل رویکردهای نو و مفاهیم جدید آن می‌توان حیطه‌ی آن را به لحاظ روشی به دوران جدید منتسب کرد. لیکن متأثر از اهداف شرق‌شناسی که بخش مهمی از آن " هویت‌سازی" برای غرب و اروپای مسیحی در برابر «دیگری» یعنی جوامع مسلمان در شرق بوده است ریشه‌ای بس کهن دارد و می‌توان رگه‌های تلاش برای سامان‌دهی نظام معرفتی غرب مسیحی و یهودی در برابر شرق مسلمان را در مطالعات عقیدتی، فرهنگی و شناخت موضوعات مرتبط با آن بویژه در منازعات صلیبیان و یا جنبش بازپس‌گیران اندلس و مسیحیان غربی یا همان رِکونکیستا (Reconquista) جستجو کرد. بدین ترتیب، رفته رفته گفتمانی غربی پیرامون شرق در منظومه‌های علمی شکل گرفت که به خاورشناسی شهره است. هرچند شاید نخستین رویکردهای انتقادی به آثار "ادوارد سعید" برجسته‌ترین منتقد شرق‌شناسی بازگردد اما آرام آرام مطالعاتی قوی‌تر در آکادمی‌های غربی شکل گرفت که پا را از شرق‌شناسی صرف که با مردم شناسی، زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی عجین بود فراتر نهاد و مفهومی دقیق‌تر از شرق‌شناسی در متون قرون جدید خلق شد که با مفهومی عالمانه و پژوهش‌گرانه در نهادهای پژوهشی و دانشگاهی متداول جهان، همسو و هم‌معنا بود. این مترادف معنایی موجب شد هر آن کس که درباره‌ی مشرق‌زمین تدریس یا تحقیق می‌کند یا چیزی می‌نویسد را شرق‌شناس بنامند. این مفهوم در ادوار تاریخی معاصر، به گفتمانی قابل قبول با روش اندیشیدن و سبک تفکر درباره شرق توافمان شده است و نظام معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی ویژه خود را باز یافته است. این بازتولید اندیشه‌گی درباره نظام معنوی شرق با اسلام پژوهشی در غرب گره خورده است. از این رو شرق‌شناسی و اسلام پژوهشی رشته‌ای منسجم و علمی شد تا فرهنگ اروپایی در خلال دوران پس از عصر روشنگری بتواند به‌وسیله‌ی آن شرق اسلامی را از حیث ایدئولوژیکی، سیاسی، جامعه‌شناسی، علمی و تخیلی بشناسد و از طریق این شناخت برآن سلطه یابد و آن را اداره کند. وجود پرسش‌های بسیار در باره اسلام و مسلمانان در غرب از یکسو، آوازه ظرفیت‌های دین اسلام و منش و فرهنگ مسلمانان از سوی دیگر که به شتاب اسلام‌گرایی دامن می‌زد، ولع واکاوی زوایای ناگفته درباره اسلام و مسلمین را فزونی می‌بخشید. لذا به موازات شرق‌شناسی، اسلام‌شناسی نیز رشد کرد و همه جا دامن گسترد.

در میان ابزارهای معرفتی برای شناختن و شناساندن دین اسلام و یا آداب مسلمانی و آیین‌های آن دائرةالمعارف‌ها نقش مهم و بسزایی داشته و دارند. این مجموعه‌های علمی به مثابه گونه‌ای از کتاب‌های مرجع حاوی اطلاعاتی کلی در قالب مقالات و مدخل‌های مستند و منظم، قابل فهمی از دانش‌ها یا طیف معینی از علوم یا دانشی خاص هستند که با هدف آگاهی رسانی عمومی نگارش یافته و در عصر حاضر در قالب الفبایی تدوین می‌شوند. صرف نظر از انواع دایرةالمعارف‌ها که به دایرةالمعارف‌های اختصاصی (مقالات مربوط به موضوعی خاص در آن نوشته می‌شود)، و دایرةالمعارف‌های عمومی (شامل مطالبی کلی در حوزه‌ی تمام معارف بشری است) قابل تقسیم اند؛ باید اذعان نمود که بیشترین سهم اصلی در تاثیر گذاری بر روش‌ها و اسلوب‌های دانش‌نامه‌نویسی یا دائرةالمعارف نگاری، از آن "دایرةالمعارف اسلام" چاپ لیدن (لایدن) است که بر سیر دانش‌نامه نویسی به زبان‌های اصلی جهان اسلام در دوره جدید تأثیری قاطع و درازمدت نهاد. (رودگر، ۱۳۹۳، جلد ۱۷)



مقاله پژوهشی

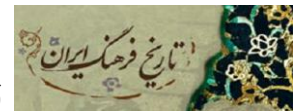


آنچه مسلم است دائرةالمعارف اسلام به عنوان نخستین دائرةالمعارف جامع و نمونه‌های مشابه آن اساس کار خود را بر تبیین نظام معرفتی اسلام و رویکرد توحیدی تمدن اسلامی با همه ابعادش نهادند. علاوه براین کانون توجه این مجموعه‌ها بر تشریح موضوع رسول خدا (ص) اعم از سیره و سنت و به تبع آن حیات اهل بیت (علیهم السلام) و صحابه ایشان بود. براین اساس دائرةالمعارف اسلام (The Encyclopaedia of Islam EI1) به عنوان نخستین شکل دائرةالمعارف علمی-آکادمی با سه دوره ویرایش متفاوت مدون شد. این مجموعه به عنوان یکی از منشورات مهم دانشگاهی بریل در لیدن (لایدن) هلند، در کنار ۲۷۵ مجله و ۱۲۰۰ کتابی که این انتشارات در سال منتشر می‌کرد، توانست تاثیر بسزایی بر دائرةالمعارف نویسی و اسلام شناسی در جهان معاصر برجای نهد و امروزه به عنوان یکی از مراجع پژوهش‌های اسلام‌شناسی در جهان به‌شمار می‌رود. از آنجا که دال مرکزی گفتمان اسلام به مثابه یک دین، سیره و سنت حضرت رسول اکرم (ص) و اهل بیت ایشان است، مطلوب ترین مقالات هم به شخصیت حضرت محمد(ص) و اهل بیت ایشان اختصاص یافته است. این درحالی است که مدخل‌های متعددی نیز به حضرت فاطمه زهرا (س) همسران، فرزندان، خویشان نسبی و سببی، صحابه، و حتی رویدادهای متصل به او تخصیص یافته است. از آنجا که عنوان این مقاله رویکرد انتقادی به تصویر سازی از فاطمه زهرا سلام الله علیها در دائرةالمعارف های غربی و نزد مستشرقان دائرةالمعارف نویس است، در این مقاله تنها به به سه دوره دائرةالمعارف اسلام چاپ لیدن اشاره خواهد که تصویری متفاوت و گاه همسو با قرائت غربی از اسلام ارائه شده است. زیرا نویسنده این مقاله باور دارد که اسلام هراسی و ایجاد بدفهمی از اسلام مقوله جدیدی در غرب نیست و امروزه به گفتمان مسلطی در میان جوامع غیر مسلمان مبدل شده است. مقالات متعدد در زمینه اثبات این نظر وجود دارد (جان احمدی و دیگران، ۱۳۹۲ و رنجبران، ۱۳۹۳ و جان‌احمدی و بایرام، ۱۴۰۲) که پرداختن به آنها در چارچوب این مقاله نیست، لیکن این موضوع به عنوان مفروضی قابل اعتنا پذیرفته شده است تا در خلال آن به موضوع حضرت زهرا(س) به مثابه اسوه و الگوی تربیتی زنان در جامعه اسلامی عصر نبوی و پس از آن توجه شود.

طرح مساله

شناخت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها به عنوان دختر رسول خدا (ص) و همسر علی بن ابی‌طالب علیه السلام وصی و جانشین رسول خدا(ص) و نخستین امام شیعیان، و نیز مادر حسنین سلام الله علیهما به مثابه ائمه دومین و سومین ائمه شیعه، و مادر زینب کبری به عنوان وارث رخداد کربلا و احیاگر نهضت بزرگ شیعه در میان جوامع مسلمان همواره از اهمیت و جایگاه بسیار زیادی برخوردار بوده و هست.

در میان مراجع مهم مطالعاتی که بخش قابل توجهی از مخاطبان عمومی و خاص را به خود اختصاص می دهد و می‌تواند به عنوان مرجع فراگیر در گرونده تولید آگاهی نقش مؤثری داشته باشند، دائرةالمعارف‌ها و دانشنامه‌ها هستند؛ که مهمترین آنها به لحاظ قدمت و اهمیت دائرةالمعارف اسلام "Encyclopaedia of Islam" چاپ لیدن (Leiden) است. امروزه سه ویرایش از این مجموعه در دست است که به لحاظ محتوا و نویسندگان تفاوت‌های اساسی بایکدیگر دارند. مدخل فاطمه الزهرا(س) که کانون اصلی بررسی مقاله حاضر است در هر سه این دائرةالمعارف‌ها با نویسندگان مختلفی وجود دارد. نویسنده مقاله حضرت فاطمه(س) در نسخه نخست دائرةالمعارف اسلام هنری لامنس (H. Lammens) (۱۸۶۲-۱۹۳۷م) نویسنده و خاورشناس معلوم الحال بلژیکی است. همین مدخل در ویراست دوم EI2 توسط لائورا وچا والی‌پری (Laura



مقاله پژوهشی



Veccia Vaglieri (شرق شناس ایتالیایی و اسلام پژوه و تحصیل کرده دانشگاه ناپل (۱۸۹۳-۱۹۸۹م) به رشته تحریر در آمده است نویسنده مدخل فاطمه در سومین نسخه ویراسته دائرة المعارف EI3 وِرنا کِلِم (Verena Klemm) متولد ۲۹ آوریل ۱۹۵۶م و استاد و رئیس موسسه مطالعات عربی در دانشگاه لایپزیگ آلمان است. او متخصص تاریخ قرون نخست اسلامی و ادبیات عربو بویژه اسماعیلیه پژوه است. به دلیل تنوع مقالات و تفاوت نویسندگان مجموعه دائرة المعارف اسلام هر سه ویرایش شایسته است، تحقیقی تطبیقی با رویکرد انتقادی در باره مدخل های پرچالش تاریخ اسلام در این مجموعه تحقق یابد. براین اساس خواست مقاله حاضر بررسی چگونگی تصویر سازی نویسندگان دائرة المعارف نویس غربی از فاطمه زهرا(س) در مراجع علمی فرهنگی چون دائرة المعارف اسلام است. و مقرر است در خلال بررسی های تاریخی، مدخل های مورد نظر، با رویکرد انتقادی بازخوانی شوند و به این سوالات پاسخ داده شود که نویسندگان مدخل فاطمه زهرا(س) به لحاظ موقعیت علمی و جایگاه اجتماعی چه کسانی هستند؟ و چه تصویری از حضرت زهرا(ص) در مجموعه سه گانه دائرة المعارف اسلام EI1, EI2, EI3 ارائه داده اند؟ آیا اهداف معنا داری در نحوه نویسندگی و یا اختیار داده های تاریخی این مؤلفان وجود دارد؟ آیا نویسندگان ویراست دوم تحت تاثیر گفتمان اسلام فوبیا و یا نویسندگان نسخه نخست نبوده اند؟ شاخص ها و مولفه های مدخل های مورد نظر چیست؟ به نظر می رسد گفتمان اسلام فوبیا در ویراست نخست بسیار ملموس و مشهود است و رگه های بدفهمی از اسلام در مقالات قابل ردیابی است، موید این ادعا همین صراحت اسلام ستیزی و قرائت غلط از رخداد های تاریخ اسلام و یا مدخل های مرتبط با آنها باعث خشم محققان و مسلمانان در جهان اسلام شد.

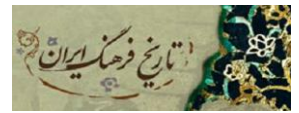
از آنجا که ماهیت این مقاله تاریخی است. (محمد تقی ایمان، ۱۳۹۱: ۱۳۲). روش مطالعه برای یافت پاسخ مستدل سوالات مطرح روشی تاریخی و انتقادی، Historical criticism متکی بر توصیف و تحلیل داده ها، فراتر از تفسیرها و روایت های جزئی خواهد بود. به عبارتی توضیح و تشریح این مدخل ها کمک می کند تا از خلال آن بتوان تفاوت ها و تمایزات سه نسخه دائرة المعارف اسلام در موضوع حضرت فاطمه زهرا را یافت و به سوالات مطرح آن پاسخ گفت و سرانجام به چگونگی تصویری که این مراجع علمی در اختیار مخاطبان خود قرار می دهند، دست یافت.

بحث

دلایل دائرة المعارف نویسی در غرب با رویکرد مطالعات اسلامی

دایرة المعارف نویسی پدیده ای جدید در جهان اسلام نبود و بهترین نمونه آن آثار قاضی ساعد اندلسی (متوفای ۴۲۰ هجری) مانند التعریف بطبقات الامم و یا کتاب جوامع الأخبار الأمم من العرب و العجم، صوان الحکم) که توانسته به تقویت وجود ایده دائرة المعارف نویسی نزد مسلمانان کمک نماید. اما دائرة المعارف معنای امروزی با ساختار آکادمیک آن در جهان غرب از قرن هجدهم میلادی آغاز شد، ثمره نیاز غرب به شناخت هویت و میراث مسلمانان در شرق بود. مطابق اطلاعات موجود در انگلستان جان هریس در ۱۷۰۴ م فن واژگان را با ساختاری منطبق با نظام دائرة المعارفی منتشر کرد و مطابق تعاریف موجود این مجموعه تمام خصوصیات یک دایرة المعارف جدید را دارا بود.

اما فرایند دائرة المعارف نویسی با رویکرد تاریخی و اسلامی در غرب روند دیگری داشت. چنانکه هرساله در غرب، ناموران



مقاله پژوهشی



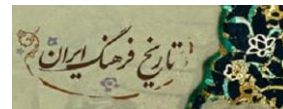
شرق شناس که در زمینه‌ی خاورشناسی و استشرق کار می‌کردند، در کنگره‌ای عمومی گردآمده، و در امور علمی و ادبی، تاریخی شرق به گفتگو و تبادل نظر می‌پرداختند. در کنگره‌ای که در سال ۱۸۷۳ در پاریس ۱۸۹۲ م در لندن برگزار شد. (سحاب، ۱۳۱۷: ۲۴-۲۵) اندیشمندان غربی برای نخستین بار بر ضرورت تدوین مجموعه‌ای به نام دایره‌المعارف اسلام تاکید کردند. در این کنگره شخصی به نام اسمیت (Smith) پیشنهاد تدوین این دایره‌المعارف را مطرح کرد و در همان کنگره کمیته‌ای متشکل از سیزده عضو به ریاست اسمیت متصدی فراهم‌سازی زمینه‌های لازم برای این کار شد. پس از مدتی اسمیت درگذشت و در اجلاس کنگره بعدی، ایگناس گلدزیهر (Ignaz Isaak Yehuda Goldziher) به جای او برگزیده شد.

در کنگره‌ای که در سال ۱۸۹۷ در پاریس برگزار شد به دلایل مختلف، گلدزیهر استعفا داد و هوتسما (Martijn Theodoor Houtsma) (۱۸۵۲-۱۹۴۳ م) به جای او انتخاب شد. (نوری ۱۳۸۴: ۹۶) وی که خاورشناسی معروف و عضو انجمن دایره‌المعارف اسلامی لیدن بود (Vol, Journal of the Royal, p 136, 1947.79) توانست در همان جلسه خاورشناسان مختلفی را با ملیت‌های متفاوت از جمله انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی، روسی، مجاری، اتریشی و هلندی برای همکاری در تدوین دایره‌المعارف اسلام فراخواند. در ابتدا نظارت علمی مقالات با دوجه (M.g. De Goege) و هوتسما بود. (نوری، ۱۳۸۴: ۹۹) در سال ۱۹۰۸ میلادی امتیاز انتشار دایره‌المعارف اسلامی به انتشارات بریل در شهر لیدن هلند واگذار شد. و امور نشر و انتشار دایره‌المعارف اسلام که از سال ۱۹۱۳ م شروع شده بود و در سال ۱۹۳۸ م به اتمام رسید (2013).

(Elton, L, Daniel, encyclopaedia of islam

A Dictionary of the Geography Ethnography and Biography of the نام اولیه این کتاب مرجع که Mohemmedan peoples: «جغرافیا، نژاد و زندگی‌نامه مردم محمدی» (نوری ۱۳۸۴: ۹۹) تعیین شد و بعدها به دایره‌المعارف اسلام تغییر نام یافت.

چنانکه اشاره شد محققین کشورهای غربی با ملیت‌های متفاوت اعم از اروپایی و آمریکایی در تدوین نخستین دایره‌المعارف اسلام نقش داشته‌اند. برای نمونه دانکلان بلاک مک دونالد آمریکایی در مدیریت یا مقاله نویسی دایره‌المعارف اسلام سهمیم بوده است. (محمد نوری، ۱۳۷۷: ۳۶۵) از دیگر افرادی که در تدوین مقالات دایره‌المعارف اسلام نقش داشته‌اند، می‌توان به بلاشر (Blachere)، بروکلمان (Brokelman)، آرنولد (Arnold)، لامنس (Lammens)، لوییس (Lewis)، مینورسکی (Minorsky)، هارتمان (Harmann)، مونتگمری وات (Montgomery Watt)، مان (Mann) و فارمر (Farmer) اشاره کرد. هرچند اعضا هیأت علمی دایره‌المعارف اسلام بنابر دلایل متعدد بطور متناوب در حال تغییر بودند، چنانکه بعدها ونسینکی (Arent jean wensinck)، آرنولد (Arnold)، پروونسال (E. Levi

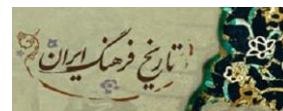


مقاله پژوهشی



Provencal) و هفنینگ (w. Heffening) به آنها اضافه شدند. (نوری، ۱۳۸۴: ۹۷) گفتنی است هوسما تا سال ۱۹۲۴ میلادی سرپرستی دایره المعارف اسلام را بر عهده داشت و پس از آن فنسک (ونسک) عهده دار آن شد. (محمد نوری، ۱۳۷۷: ۳۶۵)

ویرایش اول این مرجع علمی با بیش از نه هزار مقاله، با عنوانی فرعی درانتشارات بریل در لایدن و در لایپزیگ آلمان در چهار جلد اصلی در فاصله سالهای ۱۹۱۳-۱۹۳۶ / ۱۲۹۲-۱۳۱۵ ش به زبان های آلمانی، فرانسه و انگلیسی چاپ و منتشر شد و در سال ۱۳۱۷ / ۱۹۳۸ ش یک جلد تکمله به آن اضافه گردید. یکی از نکات حائز اهمیت ویراست اول این بود که همه مؤلفان آن اروپایی و غیرمسلمان بودند. هرچند متولیان امر تلاش کردند در نگارش ویرایش اول دایره المعارف اسلام اشخاصی به عنوان مشاور و معاون به کار گرفته شوند: از جمله آنها می توان به گروهی از مسلمانان اشاره کرد که فان اس (J. VanESS) مسئولیت معرفی آنها را بر عهده داشت. از جمله افراد مسلمان که به عنوان مشاور از آنها استفاده شد می توان به ابراهیم مدکور، محمد شفیق، بزمی انصاری، مصطفی شهابی، سیدحسین نصر و محمدالطالبی اشاره کرد. (نوری ۱۳۸۴ ص ۹۷) ویرایش اول کتاب دایره المعارف اسلام در سه نسخه به طور هم زمان ارائه شد که این نسخه ها دارای تفاوت هایی نیز بودند و این طور نبود که عیناً شبیه هم باشند. افزون براین خلاصه ای از ویرایش اول نیز در سال ۱۳۳۲ / ۱۹۵۳ ش با مقالاتی که بیشتر درون مایه فقهی و تاریخی داشتند، با عنوان "خلاصه دایره المعارف اسلام" به زبان انگلیسی منتشر شد و در ۱۹۷۴ و ۱۹۹۱ / ۱۳۵۳ و ۱۳۷۰ ش تجدید هم چاپ شد. علی رغم حجم های مختلف به مواضع علمی این مجموعه از جانب مسلمانان، انتشارات بریل بی توجه به این اعتراضات، مجدداً آن را در نه مجلد در ۱۳۶۶ / ۱۹۸۷ ش تجدید چاپ کرد. دلایل این اعتراضات اشتباهات فاحش در پردازش موضوعات، تاختن های بی محابا بر میراث اسلامی، نادیده گرفتن وعدم بهره گیری از منابع اصیل اسلامی و در پاره ای مقالات نادیده گرفتن منابع شیعه و نیز سوگیری های تعمدانه نسبت به مفاخر جهان اسلام و مواضع تند و متعصبانه و گاه ایدئولوژیک نویسندگان مسیحی و یهودی مقالات که عمدتاً شرق شناسان نام آشنا و متعصب و بعضاً از چهره های معاند شهری چون گلدزیهر و لامنس بودند، بویژه خطاهای نابخشودنی از تصویر سازی شخصیت های برجسته تاریخ اسلام، که به خیزش و دامنه دار بودن امواج اعتراضات تنفر آلود در میان مسلمانان دامن می زد و همین دلیل قابل قبولی بود تا متولیان دائرة المعارف مبادرت به تدوین ویراست دو (The Encyclopaedi of Islam New / Second Edition/EI2) با رویکردی متعادل تر متأثر از فرهنگ نوشتاری غرب و گفتمان آکادمیک نمایند. براین اساس تلاش شد تا با انتخاب نویسندگانی از همه ملیت های شرقی بویژه، ایرانی، عرب و ترک تبار و مسلمان و غیر مسلمان و البته هم جهت با اهداف کلان دائرة المعارف اسلام در تصحیح ویراسته اول برآیند. مؤید این مدعا تعداد تنوع بخشی به نویسندگان و استفاده بیشتر از

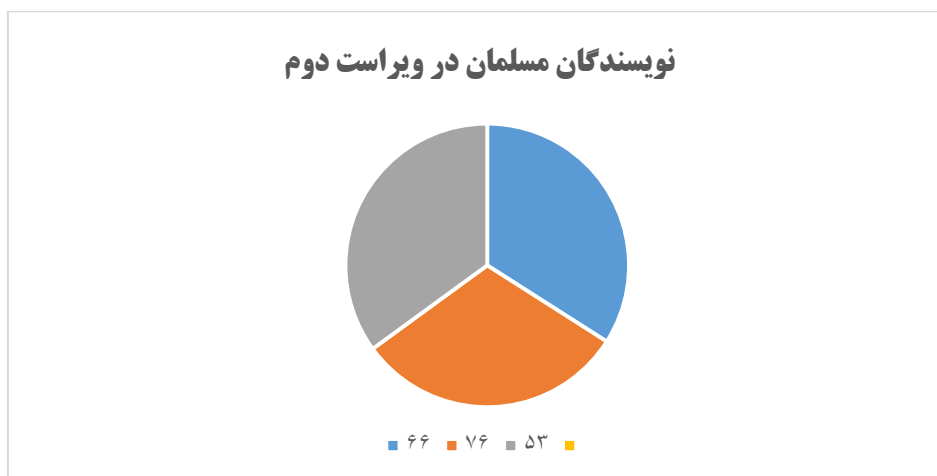


رهیافت انتقادی به تصویر سازی حضرت زهرا(س) در سه ویراست دائرة المعارف اسلام چاپ لیدن

مقاله پژوهشی

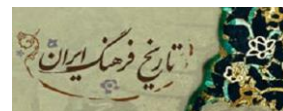


محققان مسلمان است. چنانکه در جلد اول ۶۶ نفر از ۳۴۳ مولف، در جلد سوم ۷۶ نفر از ۳۱۲ مولف و در جلد پنجم ۵۳ نفر از ۳۵۳ مولف مسلمان اند یا ملیت عربی-اسلامی دارند.



سر ویراستاری ویرایش دوم دائرةالمعارف اسلام EI2 بر عهده محققان سرشناسی چون همیلتون الکساندر روسکین گپ بود . وی که پیشتر ریاست مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد را بر عهده داشت توانست مراحل نخست تدوین ویرایش دوم را بنیان نهد. در کنار او کسانی چون لوی-پروونس (Évariste Lévi-Provençal) خاورشناس فرانسوی ، جی اچ کرمز (J. H. Kramers (d. 1951) و جوزف شاخت (J. Schacht) و برنارد لوئیس (B. Lewis) و پلات (Ch. Pellat) و وی ال میناگ (V.L. Ménage) و فون دانتزل، گ. آر هاوتینگ (G. R. Hawting) و سی ئی بُسُورث (C.E. Bosworth) و پی جی بیرمن (P.J. Bearman) نیز حضور داشتند.

به نظر می‌رسد ویرایش دوم EI2 هم چندان دور از تعصب و جانبداری نبود. تحولات علمی و توسعه مطالعات اسلامی در پی تغییرات اجتماعی، رشد تعدد دائرةالمعارف نویسی در غرب (اسعدی، ۱۳۸۱: ۱۷۱) شکل گیری رسانه‌های فراگیر، تغییر در نگره محققان مسلمان با رویکردهای انتقادی بسیار موجب شد تا ایده ویرایش سوم دائرةالمعارف اسلام EI3 شکل بگیرد . لذا ویرایش سوم دائرةالمعارف اسلام : The Encyclopaedia of Islam Three Edition از ۲۰۰۷ آغاز شد و مقرر گردید طی پانزده سال متوالی این مجموعه به پایان برسد. به انضمام این قرار که هرساله چهار جزوه ۲۰۰ صفحه ای با تمرکز بر مطالعات اسلامی در قرن بیستم، به ویژه در حوزه و مناطق کمتر شناخته شده هم‌چون آسیای جنوب شرقی و صحرای آفریقا و با تمرکز بر مسائل مربوط به حقوق اقلیت‌های مسلمان در همه کشورها و سرزمین‌های غیر مسلمان منتشر شود. ویرایش سوم تحت نظارت چهار سر ویراستار به نام‌های: گودرون کرم (Gudrun Krämer)، اِوَرِتِ راوسن، (Everett Rowson) جان ناواس (John Nawas) و دنیس ماترینگ (Denis Matringe) است؛ (EI3, introduction, vi. p: v)



مقاله پژوهشی



گرچه از انگیزه‌های نگارش این مجموعه سه دوره ای (EI1, EI2, EI3) به دلیل فقدان مقدمه ای درخور که بتواند به این سوال ما پاسخ دهد، اطلاعات دقیقی در دست نیست اما بطور کلی رشد آگاهی، اسلام گرایی، سوالات پر شمار درباره اسلام و آیین آن در غرب و از همه مهمتر لزوم اطلاع یافتن و یا اطلاع دادن جهت دار در غرب به توسعه کتابهای دائرةالمعارفی افزود. این درحالی است که در چاپ دوم ویراست نخست (EI1) در پیشگفتار ناشر (EI1, Publishers' preface. 1987) همین دلایل پیش گفته را مطرح و دلیل اصلی را افزایش علاقه به دانستن در باب اسلام و فرهنگ اسلامی در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم می داند.

به هر تقدیر هر سه ویراست دائرةالمعارف اسلام (EI1, EI2, EI3) را می توان خوش بینانه ثمره اسلام شناسی غربی، یا به معنای دقیق تر، میوه و ثمره شرق شناسی در غرب معاصر دانست. هرچند این ولع به دانستن در باره اسلام را باید به همان سده های نخست صدر اسلام بازگرداند. خیزش اسلام و فتوح اسلامی در شرق و غرب و از همه مهمتر فتح اندلس در عین نابوری فرنگیان و گسترش اسلام بدون لشکرکشی در اروپا، موجبات کنکاش و لزوم معرفت در باره اسلام را فزونی بخشید و حاصل این تلاش در قرنهای هجدهم و نوزدهم به دائرةالمعارف نگاری برای آشنایی عموم و آگاهی گسترده عمده و جهت گیرانه منجر شد. (دائرةالمعارف/الاسلامیه، بی تا، مقدمه، ۴؛ دانشنامه ایران و اسلام، مقدمه، ۱/۱۰؛) این در حالی است که بدانیم همزمان با انتشار نسخه های ترجمه شده آن هم در اختیار عموم قرار گرفت.

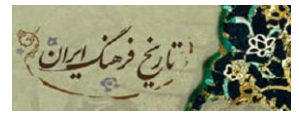
ویژگی های دایره المعارف اسلام

دایره المعارف اسلام با توجه به این که اولین کوششی است که از سوی خاورشناسان غربی برای گردآوری اطلاعات علمی مربوط به اسلام و جهان اسلام در قالب دایره المعارف انجام شده است دارای ویژگی هایی است که ما در این جا به طور مختصر به بعضی از آن ویژگی ها اشاره می کنیم:

یکی از ویژگی های انحصاری این دایره المعارف در مقابل دایره المعارف های دیگری که در مورد اسلام به رشته تحریر کشیده شده است توجه به اعتقادات اختصاصی شیعه و زندگی تحلیلی امامان این مکتب است که اگرچه در بسیاری از موارد قابل نقد و بررسی است اما در هر حال آیین تمام نمای نحوه نگرش و تفکر اسلام شناسان غربی در مورد مکتب مقدس تشیع است که می تواند مبنای بسیار محکمی برای برنامه ریزی علمای شیعه نسبت به معرفی صحیح و مستند این مکتب به اندیشمندان جهان باشد.

ساختار تدوین اطلاعات در آن به روش ساده است به طوری که برای تمام مردم به راحتی قابل استفاده است.

به خاطر چینش و ترتیب خوب اطلاعات، دسترسی و مراجعه به مطالب مورد نیاز راحت می باشد.



تلاش بسیاری از نویسندگان دایره‌المعارف برای نشان دادن و آشکار کردن کارشان به صورت یک کارنامه اساسی. بعضی از مردم با دیدن نام این مستشرقین فریفته شده و هر آنچه که آن‌ها نوشته اند را قبول می‌کنند. هیچ دایره‌المعارف اسلامی جایگزین آن وجود ندارد. (بن عبدالله القاسم، ۱۴۰۳، ۱/ ۹-۱۰)

دایره‌المعارف اسلام بر متون کلاسیک و تاریخ کهن و میانه تاکید دارد. (ادبی، ۸۴: ۲۷)

دایره‌المعارف اسلام به زبان‌های مختلف انگلیسی، فرانسه، آلمانی، فارسی، ترکی، عربی و اردو ترجمه شده است. کتاب جامعی در مورد مسائل مختلف اسلام و تشیع و در تمامی مسائل تاریخی، تمدنی، کلامی، فقهی و فلسفی و ... بوده و از منابع مختلف و متعددی در تحریر مدخل‌های آن استفاده شده است.

ارجاع دادن بعضی از مطالب درون متن که خود دارای مدخل مستقل هستند؛ لذا از اطناب پرهیز شده است. بر این اساس ممکن است در یک مدخل برای واضح‌تر شدن آن، به چند مدخل دیگر ارجاع داده شده باشد.

ذکر منابع هر مدخل بعد از آن مدخل.

نوشته شدن هر مدخلی توسط افراد متخصص در آن زمینه.

حضرت فاطمه زهرا(س) در مطالعات غربی و دایره‌المعارف‌ها

امروزه فهرست مطولی از مقالات و آثار علمی پیرامون شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی محققان غربی در دست است که بخشی‌هایی از آنها به شناخت شخصیتی حضرت فاطمه زهرا(ع) و زندگی پرفراز و نشیب او اختصاص یافته است. این کثرت و تنوع آثار اسلام‌شناسی مؤید علاقه وافر خاورشناسان و نیز پژوهشگران به حوزه تاریخ اسلام و شخصیت‌های کلیدی آن است. گرچه نام بردن همه این آثار از عهده این مقاله خارج است لیکن به اشاره می‌توان به دایره‌المعارف‌هایی که در حوزه تاریخ اسلام نوشته شده‌اند، در ذیل اشاره نمود.

دایره‌المعارف اسلام (چاپ اول EI1) مدخل (، نوشته «هنری لامنس»

دایره‌المعارف اسلام (چاپ جدید EI2) ویراست دوم: مدخل فاطمه(س) نوشته «لائورا وچا والی‌پری»

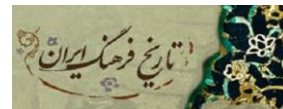
مدخل دایره‌المعارف اسلام (چاپ جدید EI2) «فدک» نوشته «لائورا وچا والی‌پری»

دایره‌المعارف اسلام (چاپ سوم EI3) Fāimah bint Muhammad

دایره‌المعارف ایرانیکا «Fāṭimah: In myth, folklore, and popular devotion» (فاطمه: در اسطوره، فولکلور و

عبادت مردمی) نوشته: «ژان کالمارد»

دایره‌المعارف دین: مدخل «Fāimah bint Muhammad» (فاطمه (س) بنت محمد(ص)) نوشته «جین دامن مک آلیف»



فرهنگ مختصر ادیان جهان آکسفورد : مدخل « Fatima » (فاطمه س) نوشته «جین دامن مک آلیف»

دایره المعارف قرآن:مدخل «فاطمه» نوشته:«جین دامن مک آلیف»

دایره المعارف بریتانیکا: «فاطمه» نوشته: «اورسولا گونتر»

دایره المعارف اسلام و مسلمانان جهان «فاطمه»: نوشته «اورسولا گونتر»

دایره المعارف جهان:مدخل «فاطمه »

دایره المعارف زنان در تاریخ جهان آکسفورد: « Fatima bint Muhammad»(فاطمه بنت محمد) نوشته «سیمونه تا

کالدینی»

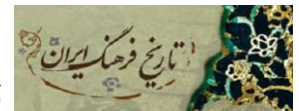
علاوه براین مجموعه های دائرةالمعارف گونه هم چون: لغت نامه تاریخی ادیان، فلسفه و جنبش ها : مدخل «فاطمه»

لغت نامه اسلامی آکسفورد :مدخل «فاطمه» و لغت نامه قرون وسطی آکسفورد: مدخل «فاطمه» و لغت نامه اصطلاحات و

حکایت آکسفورد: «فاطمه» و فرهنگ اسلام: «فاطمه»

مدخل فاطمه زهرا (س) در سه ویراست (EI1, EI2, EI3)

آنچه مسلم است متأثر از اغراض خاورشناسان در غرب، و اهداف تعریف شده و نیز تعارض های معنایی و سوء برداشت های تاریخی نویسندگان دائرةالمعارف اسلام ویراست اول (EI1) و از همه مهمتر اشکالات روشی موجود در آن به همراه اعتراضات پی در پی جوامع مسلمان ویرایش دوم این مجموعه آغاز شد (Bosworth,1978:101-103) تا در کنار ارائه شکل متعارفی از مدخل ها بتوانند به اعتراضات و هتک حرمت های صورت گرفته در (EI1) تا حدودی پاسخ دهند. لیکن نحوه چینش و وام گیری از اطلاعات مقالات نسخه نخست و عدم انحراف واقعی ویراست دوم (EI2) از نسخه نخست آن، گونه ای وام گیری از نسخه نخست را به ذهن متبادر می کند. لذا قصد داریم تا با نشان دادن گفتمان کلی مسلط برای فضای شرق شناسی غرب و تسلط مفاهیم اسلام هراسی در فضای گفتاری و نوشتاری خاورشناسی نشان دهیم که کماکان تحت تاثیر همان گفتمان مسلط و فضای غالب بر دائرةالمعارف اول (EI1) مقالات ویراست دوم (EI2) خیلی دقیق مطابق با موازین علمی متکی بر رویکردهای ایدئولوژیک اسلامی تصحیح نشد. حال این مقاله قصد دارد در بازخوانی نقد گونه مدخل حضرت فاطمه (س) در سه ویراست دائرةالمعارف، به نقد نگاه مستشرقان به مفاخر میراث اسلامی و بطور کلی تصویر سازی از فاطمه زهرا(س) به عنوان دختر رسول خدا(ص) و همسر علی ابن ابیطالب(س) و جانشین و وصی رسول خدا(ص) بپردازد. افزون براین مقاله حاضر مترصد است ضمن یافت شاخصه های مدخل حضرت فاطمه(س) به این سوال پاسخ دهد که: آیا ترس از



مقاله پژوهشی

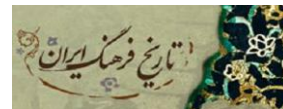


اسلام و نشناختگی از اصول و فروع آن موجبات بدفهمی مستشرقان از تاریخ اسلام را ایجاد نکرده است؟ آیا نویسندگان ویراست دوم تحت تاثیر گفتمان اسلام هراسی که بر فضای اروپای دوره معاصر مسلط بوده است، قرار داشته اند؟ شاخصه ها و مولفه های مدخل های مورد نظر چیست؟ مطابق بررسی های تاریخی می توان پذیرفت غلبه اسلام هراسی و اسلام گریزی در اغلب مقالات ویراست اول (EI1) امری ملموس و موضوعی بسیار مشهود است. (جان احمدی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۷۵-۳۸۰) و همین صراحت اسلام ستیزی و قرائت غلط از رخداد های تاریخی و یا مدخل های مرتبط باعث آشوب و اعتراضات دامنه دار مسلمانان در جهان شد. اما ویراست دوم (EI2) تلاش کرد تا گفتمانی معتدل تر نسبت به متن قبلی ارائه دهد هر چند به نظر متکی بر استدلال های موجود در این کتاب هرگز نتوانست پا را از دایره گفتمان اسلام هراسی غلبه یافته بر مقالات دایره المعارف نخست فراتر نهد، اما با لحنی آرام تر و با هدف گذاری های علمی تلاش کرد تا از دامنه اعتراضات بکاهد و بر اقبال دائرة المعارف نویسی بیفزاید.

گفتنی است پس از مدتها از نشر ویراست دوم (EI2) ویراسته سوم (EI3) هم پا به عرصه حیات علمی نهاد. اما هنوز ویراست دوم (EI2) قابلیت ارجاع دهی و اعتنا داشت. چنانکه مطول بودن مقالات، تنوع نویسندگان، شمولیت مدخل های و سهل الوصول بودن آنها کماکان مد نظر خوانندگان این مجموعه قرار داشت. با این وجود ویراست سوم هم توانست جای خود را در فضای کتابهای مجازی با قدرت بالای جستجو در متن باز کند.

نویسندگان مدخل های فاطمه در سه ویراست دائرة المعارف

نخستین مدخل دائرة المعارف مختص حضرت فاطمه زهرا (س) را در اولین ویراست دائرة المعارف اسلام (EI1) هنری لامنس (Henri Lammens) خاورشناس، نویسنده و کشیش شهیر بلژیکی (۱۸۶۲-۱۹۳۷م) به رشته تحریر در آورد. در فاصله سال های ۱۹۱۳ میلادی ۱۹۶۵ م یعنی حدودا ۵۰ سال بعد از نخستین ویراست، دومین مقاله فاطمه زهرا (س) در دائرة المعارف اسلام (EI2) توسط لائورا وچا والی پری (Laura Veccia Vaglieri) شرق شناس و اسلام پژوه ایتالیایی (۱۸۹۳-۱۹۸۹م) تدوین و منتشر شد. با شکل گیری و تبویب نسخه سوم دائرة المعارف (EI3) در سال ۲۰۰۷ میلادی مدخل فاطیما به پروفیسور وِرنا کلیم (Verena Klemm) متولد ۲۹ آوریل ۱۹۵۶م، استاد و رئیس موسسه مطالعات عربی در دانشگاه لایپزیگ محول شد. این تنوع نویسندگان نشان می دهد مقالات مربوط به فاطمه زهرا (س) نتوانسته جامعه علمی جهانی را قانع کند. لذا تحولی چشمگیر هم در روش و هم در محتوا تحقق یافت باید پذیرفت لامنس کشیشی متعصب با معیارهای تند کاتولیکی بود. (جان احمدی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۷۰-۳۷۱) از این رو گاهی او را الیسوعی هم لقب داده اند. (Giard, 1991)



مقاله پژوهشی



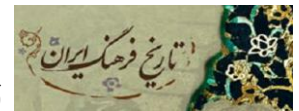
(291) او با اتکا بر اطلاعات کتاب خود "فاطمه و دختران محمد صلوات الله علیه"، "Fātima et les filles de Mahomet" به تشریح تاریخی شخصیت حضرت فاطمه (س) پرداخته است و از این رو مقاله دائرةالمعارف اش تنها گزیده برداری از همان کتاب پیش گفته اوست. موبد این ادعا کاربست بسیاری از داده‌های آن کتاب بی کم و کاست، در مقاله دائرةالمعارف اسلام (EI1) با همان نگاه متکی بر قداست سنت (Lammens.1912:21) است. وی در مقدمه کتاب فاطمه و دختران محمد (ص) می نویسد: پژوهش پیش رو ... اجازه می دهد اعتبار اسنادی ادبیات نخستین مسلمانان را ارزیابی کنیم. در این مطالعات کامل، دقیق و خاص، آنچه مفروض است اینکه سیره نبوی و تأویلات مربوط به آن، تماماً، به عنوان مجموعه سنت اسلامی، جنبه تفسیری دارد؛ به این معنا که در کنار متن آیات صریح قرآن، سیره در عمل به منظور ارائه تفسیر از همین آیات قرآنی به کار گرفته میشود؛ یعنی (آیات) و تأویلات مبهم و غامض قرآن که نیاز به رفع ابهام دارند، باید به حکایات معین و در خور توجهی (که همان سنت یا سیره است) ترجمه و تبیین شوند. در فهم و برداشت‌های مختلف از متون قرآنی باید همواره به دنبال تعمیم دادن قواعد و موضوعات در قرآن بود. (Lammens.1912: IIV) لامنس در این مجموعه آثارش حملات شدیدی به سیره پیامبراکرم دارد (جان احمدی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۷۱) و طبعاً این نو نگاه متعصبانه بر نگارش مقاله فاطمه بی تاثیر نبوده است.

لائورا وچا والی پری: فارغ تحصیل و استاد دانشگاه مطالعات شرقی ناپل بود وی افتخار نویسندگی مقاله فاطمه در

ویراست دوم (EI2) را عهده دار شد. رویکرد آکادمیک او به نسبت رویکرد ایدئولوژیک لامنس نزد اهل علم پذیرفتنی تر می نمود. اما آغاز بحث علمی اش با بررسی آثار لامنس و ماسینیون کمی از اعتبار علمی او کاست. ابتکار او در شاکله بندی مقاله اش حائز اهمیت است. وی این مقاله را در دو بخش اصلی تاریخی و اسطوره‌ای با جای گذاری روایت‌های کتب سنی، متقدم شیعی و اسماعیلی ارائه کرد و در ضمن آن به تبیین شخصیت فاطمه زهرا(س) پرداخت. با نگاهی نقادانه و جزءنگرانه باید پذیرفت او در این مدخل درواقع بیشتر بدنبال معرفی پنداره جدید فراتاریخی از دختر رسول خدا(ص) بود. بطور کلی دائرةالمعارف اسلام ویراست دوم (EI2) و به تبع آن والی پری تلاش کرد تا گفتمانی معتدل تر نسبت به متن قبلی دائرةالمعارف اسلام ارائه دهد، لیکن نتوانست از گفتمان ایدئولوژیک لامنس فاصله بگیرد. قلم روان والی پری و پای بندی او به اصول روشی و تاریخ نگارانه متکی بر منابع و پژوهش‌های تاریخی وزآمدتر، بویژه لحنی آرام تر و قلم منطبق با هدف گذاری های علمی کلان دائرةالمعارف ، موجبات فاصله گرفتن مقاله فاطمه والیری از مقاله فاطمه لامنس را فراهم آورد.

ورنا کلم، (۲۹ آوریل ۱۹۵۶م) استاد دانشگاه لایپزیگ است (<https://www.uni-leipzig.de/en/profile/>)

mitarbeiter/ prof-dr-verena-klemm-kuhn) که عهده دار مقاله فاطمه در ویراست سوم شد، او شاگرد هالم



مقاله پژوهشی



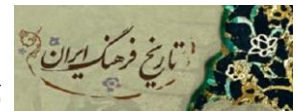
هاینتس (Heinz Halm) شیعه پژوه آلمانی بود و با ادبیات اسماعیلیه آشنایی داشت. به دلیل همین گرایشات شیعه پژوهی و اسماعیلیه شناسی به تکمیل اطلاعات پیشین دو ویراست قبلی پرداخت با این تفاوت که توجه بیشتری به منابع تاریخی امامیه و کتب اسماعیلیه مبذول داشت. کلم تلاش کرد تا در این ویرایش ضمن بازخوانی تصویر فاطمه پیوندی تاریخی میان تحقیقات معاصران، و ادبیات مسلمین بویژه شیعه و ادبیات مسیحی با توجه به مقایسه با مریم (Kelemm.,2005:185-186) ایجاد نماید. اما ظاهراً در این کار توفیق نداشت. (EI3, brill, July 21, 2013)

ساختار، محتوا و روش در مقالات فاطمه الزهرا در سه ویراست سه گانه دائرة المعارف اسلام

تحلیل محتوای مدخل فاطمه زهرا در سه ویرایش دائرة المعارف اسلام زمانی امکان پذیر است که بتوان بر فضای کامل گفتمانی همه مقالات آن مسلط شد. به عبارتی فهم خطاهای روشی، درک اشتباهات فاحش تاریخی و تصویر پردازی فاطمه زهرا(س) به عنوان دختر رسول خدا(ص)، سیده النساء العالمین، همسر وصی رسول خدا(ص) و امام شیعیان علی بن ابیطالب علیه السلام، مادر حسنین علیهما السلام سیدان شباب اهل الجنه و مادر زینب کبری طایفه دار پسا عاشورا و عدم توفیق مستشرقان در نگارش مجموعه ای فاقد سوگیری موجب شده است تا رویکردهای نقادانه نسبت به این مقالات دانشنامه ای و دائرة المعارفی فزونی گیرد. از آنجا که عمده این رویکردهای نقادانه گاه به شاخص ها و ممیزات مقالات و اسلوب نگارشی و ضعف استفاده از منابع تاریخی باز می گردد، لذا لزوم بازکاوی این شاخص ها در مقالات این مجموعه ضروری به نظر می رسد. در این بخش به بیان ساختار محتوا و روش نویسندگان مقاله حضرت زهرا و بیان شاخص های مقاله فاطمه در سه ویراست دائرة المعارف اسلام پرداخته خواهد شد.

الف ساختار عمومی مدخل های دائرة المعارف اسلام :

۱. اختصار و ایجاز: آنجا که اساس هر اثر دائرة المعارفی بر ایجاز نهاده است، تعداد واژگان مقاله فاطمه زهرا متناسب با اهمیت آن و اطلاعات و پژوهشهای موجود تنظیم شده است. از این با توجه به تحقیقات جدیدتر انتظار می رفت تا مدخل «فاطمه دختر محمد» در ویرایش اول، در تکمله و در ویرایش دوم و در ویرایش سوم تغییر دامنه واژگانی بدهد و یا به دلیل افزودن مطالب جدید و آنچه در ویرایش اول یا دوم نیامده، آمده در نسخه سوم تکمیل شود. اما بررسی ها نشان داد اطلاعات زیادتری در مقالات دوم و سوم اضافه نشد.
۲. درج فهرست منابع در انتهای مدخل از ویژگی ساختارمند مقالات دائرة المعارفی است. اما فقدان مشخصات کتابشناختی در برخی منابع منتشر شده بویژه منابع کهن و اسناد که عمدتاً بدون محل نشر و یا تاریخ نشر برصعوبت رفرنس دهی می افزاید.



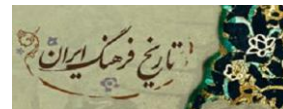
مقاله پژوهشی



۳. روشی که محققان *دائرة المعارف نويس برای تدوين مقالات برگزیده اند* در دو سطح قابل ارائه است. نخست پژوهش منبع محور: چنانکه هیچ پژوهش تاریخی نیست که داده محور نباشد. بنابراین هر چه منابع قدیمی تر و اصیل تر باشند ارجاع به آن مهمتر خواهد بود. ثانيا نگاه انتقادی به منابع اولیه و تردید در وثاقت آنها، یک پای ثابت دیگر تحقیق تاریخی است و ثالثا در انتخاب مطالعات با رعایت بهره‌گیری از منابع متقدم جهت بازسازی داده‌های تاریخی اولویت دارد، دوم: در مقام تبیین، روش تحقیق و نگارش مقاله‌ها در *دائرة المعارف اسلام* عمدتا مبتنی بر نگاه به تاریخ با دید پوزیتیویستی و گاهی ترکیبی از این روش با روش پدیدارشناسی است به عبارتی حامیان روش پدیدار شناسی از ارزشها و باورهای برای فهم تاریخ استفاده می کنند ولی رهروان روش تاریخی از تاریخ برای “تبیین” ارزشها و باورهای اقوام کمک می گیرند. از این روست که در *دائرة المعارف اسلام* تاریخ، زبان شناسی تاریخی و نگاه تاریخی وزنه سنگین و همیشه حاضر در همه مقاله آن است. با توجه به این روش، می توان گفت غالب مقالات تاریخی، در شیوه گزینش منابع و شیوه استنتاجها بگونه ای نوشته شده اند که انتقادهایی از سوی مسلمانان بر آنها وارد است. مانند مقاله حضرت محد و یا مقاله فاطمه بنت محمد.
۴. دانسته است عمده مستشرقان، توجه شان به زبان شناسی تاریخی یا فیلولوژی، به تحقیقات تاریخی، به منظور شناخت نسخه های خطی و به تشکیک در وثاقت متون مقدس اسلامی معطوف است تا دانستن درونمایه آموزه های اسلامی، همین رویکرد آنها موجب شد است تا ساختار مدخل بسیاری از مقالات از درون مایه های اسلامی بی بهره باشد.
۵. توجه به اعتقادات اختصاصی مسلمانان بویژه شیعه و زندگی تحلیلی ائمه و خاصه فاطمه زهرا است. (جندقی، انتظار ۱۳۸۲)
۶. ساختار تدوین اطلاعات در آن به روش ساده است به طوری که برای تمام مردم به راحتی قابل استفاده است.
۷. به خاطر چینش و ترتیب علمی داده ها و اطلاعات، دسترسی و مراجعه به مطالب مورد نیاز راحت است.
۸. استفاده از مستشرقین نام آشنا به تبع آن پذیرش هرچه آنها بگویند توسط مراجعان *دائرة المعارف*
۹. شمولیت موضوعی تا جایی که هیچ جایگزینی برای *دایره المعارف اسلامی* وجود ندارد. (ابن عبدالله القاسم، ۱۴۰۳: ۱)
- ۱۰-۹)
۱۰. *دایره المعارف اسلام* به زبان های مختلف انگلیسی، فرانسه، آلمانی، فارسی، ترکی، عربی و اردو ترجمه شده است و همین باعث شده تا *دائرة* مخاطبان آن دائما فزونی گرفت.

ب. ساختار اختصاصی مدخل فاطمه دختر رسول خدا (ص)

۱. تاریخ زندگی و شخصیت: شامل اطلاعاتی درباره تولد، خانواده، ازدواج و نقش فاطمه زهرا در زندگی پیامبر و جامعه اسلامی



اولیه،

۲. نقش دینی فاطمه زهرا به عنوان به عنوان الگو و نمونه‌ای از اخلاق و تقوا و به مثابه شخصیتی موثر و مقدس در اسلام و تشیع؛

۳. نقش اجتماعی و سیاسی و فعالیت‌های فاطمه در دفاع از حقوق اهل بیت (ع) و انتقادهای او از کسانی که به ولایت علی (ع) تعرض کردند؛

۳. تأثیرگذاری فاطمه بر تاریخ اسلام بویژه پس از رحلت پیامبر(ص)، از جمله واقعه سقیفه و حادثه‌ی فدک،

۴. منابع و روایات مآخوذ از متون اسلامی شیعه و سنی که به شخصیت و ویژگی‌های فاطمه زهرا می‌پردازند

۵. جایگاه فاطمه زهرا (س) در تاریخ و اسطوره‌های شیعه

۶. ازدواج با امام علی و مادری چهار فرزند: حسن، حسین، زینب و ام کلثوم

۷. نقش او در میان اهل بیت و توصیف ادبیات و منابع تاریخی که بر نقش فاطمه زهرا به عنوان یکی از چهار زن بهشتی تأکید دارند و جایگاه او به عنوان مادر امامان شیعه پذیرفته اند.

۸. حقوق زنان و مساله فد: بحث درباره وقایع تاریخی که به تأسیس و دفاع از حقوق فاطمه زهرا پرداخته و تأثیر آن را بر موقعیت زنان در اسلام جستجو کرده است.

۹. کاربرست مراجع متقدم و روایات متناسب: اشاره به منابع اسلامی که به زندگی و کردارهای فاطمه زهرا در قرآن و سنت پرداخته‌اند.

تطورروشی و نگرشی نویسندگان مدخل‌های حضرت فاطمه (س) (فاطمیما) در سه ویراست دائرةالمعارف اسلام

گرچه معترفیم نقد رویکردهای محققانه مجموعه کلان دامنه‌ای چون دائرةالمعارف اسلام آسان نیست، زیرا همواره با پیچیدگی‌های موضوع از یکسو، سیاست و رویکرد صاحبان دانشنامه‌ها و دائرةالمعارف‌ها از سوی دیگر مواجه هستیم. از این رو شاید نتوان به همه زوایای مدخل‌های مورد نظر پرداخت، لیکن می‌توان درحد طرح مساله به برخی از موارد آن پرداخت:

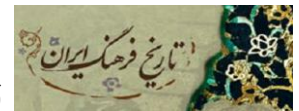
هنری لامنس، (متوفی ۱۹۳۷م) اولین مدخل فاطمه را درسال ۱۹۲۷ میلادی با این عنوان: « Fatimah bint

Muhammad» در مجموعه EI1 دائرةالمعارف اسلام نوشت. او کشیشی یسوعی و بسیار متعصب بود (Giard & De

Vaucelles, 1996,291) رویکردهای سوگیرانه، جدلی و مملو از تعصبات دینی و مذهبی او نسبت به مسلمانان بر کسی

پوشیده نیست. (مهدی پیشوائی، ۱۳۸۴: ۱-۲۷ و جازاری معمولی ۱۴۰۱، ۲۸۳) وی در این مقاله(مدخل) می‌کوشد تا

چهره‌ای ضعیف، بیمار و گریان از حضرت فاطمه(س) ارائه دهد. گرچه نوشته او متأثر از کتابی است که پیشتر بنام «فاطمه



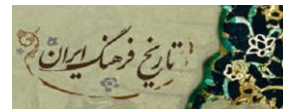
مقاله پژوهشی



(س) و دختران محمد (ص)» با محوریت انفعال و افسردگی شخصیت حضرت زهرا (س) را در سال ۱۹۱۲ م منتشر کرده است اما او وفادارانه بر منابع ضعیف اهل سنت پا می فشارد. لامنس این نگاه را با اتکا بر ارجاعات ناقص به منابع اسلامی داشت و در دانشنامه اسلام لایدن دوباره نظراتش را انتشار داد. شایان توجه است او در ورطه پژوهش های اسلام شناسی اوایل قرن بیستم غرق شده بود به نوعی او نیز همچون برخی مستشرقان اسلام پژوه برای دفاع از عالم مسیحیت حمله به اسلام را سرمطلع کار خویش قرار داده بود شاید از این قبل بتواند گفتمان مسیحی را از مواجهه با اسلام برهاند.

بی شک یکی از مهمترین نقدهای جدی به لامنس، عدم بی طرفی و فقدان رعایت حریم های علمی است. او از سویی در موافقت با گفتمان یهودی -مسیحی می کوشد تعابیر و وقایع اسلامی را بر اساس مشابهت های یهودی تفسیر کند و از سوی دیگر، موضوعات و مفاهیم اسلامی را در معرض نقد تاریخی قرار دهد. البته در هر نقد روشی دیدگاه هنری لامنس درباره حضرت فاطمه (ع) می تواند آئینه تمام نمای وضعیت زمانه و مواجهه های جریان های مختلف عصر باشد. زیرا لامنس برای اثبات نظریاتش اولاً بر اخبار و وقایعی تکیه کرده که به عنوان امور فرعی و جزئی محل اختلاف خود اندیشمندان و مورخان مسلمان بوده است و به مسائل و گزاره های اجماعی و تواتری نویسندگان مسلمان توجهی نداشته است. نکته اساسی دیگر این که مقاله حضرت زهرا عمدتاً بر پیش فرض های خاص و کاملاً سیاسی و دینی لامنس استوار است، این است که او بر یک مسأله محوری مهمی تاکید می کند که: «شناخت کاریزماتیک و قداست گونه پیامبر(ص) و اهل بیت او، تحت تأثیر حضور امویان بر مسند قدرت بوده است و این مسأله در آرا و نظرات مسلمانان سده دوم ظهور یافت». در حقیقت، وی این شناخت را معلول جریان های سیاسی و اجتماعی آن دوران و نیز ورود «سلطنت - خلافت اسلامی» در عرصه توازن بین المللی باز می گردد. در همین راستا، ارزش حضرت فاطمه (ع) و اهل بیت (ع)، از سده دوم هجری ظاهر می شود. قرن اول هجری را باید عصر گمنامی اهل بیت (ع) محسوب کرد. لامنس اصرار دارد تاکید کند هویت مقدس گونه حضرت فاطمه (ع) و خاندانش در سده دوم معلول مقابله علویان و جریان اکثریتی اهل سنت در مدینه است و در این میان، عباسیان نقش محوری بر عهده دارند. چنانکه با برجسته سازی و حتی تحریف فضایل اهل بیت (ع) برای مشروعیت بخشی به خلافت خود و مهار علویان تلاش های متعنی و دامنه داری دارند.

علاوه براین نقد دیگری که به او وارد است اینکه موضوع روش شناسی اوست. کاربست داده های تاریخی و روایی که از منابع اهل سنت برگرفته است و استنادهای او به صحاح و مسانید و آثار رجالی آنها، برای تعریف شخصیتی شیعه مقاله او را بشدت تضعیف می کند. بنابراین نوادر و روایات شاذ تاریخی درباره فرزندان رسول خدا(ص)، که سابقاً محل اختلاف مورخان مسلمان هم بود، نیز برای وی جذابیت بیشتری می یابد این مسئله را باید یکی از مهمترین ضعف های او دانست.

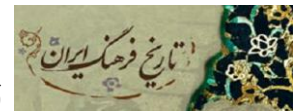


مقاله پژوهشی



چراکه ریشه این نوع نگاه جزمی به اهل بیت و نیز بدفهمی از داده‌های منابع به پیش فرض‌های او از یکسو، عدم‌روش‌شناسی عدالت محور و منصفانه از سوی دیگر بوده است. کنکاش‌های مستمر او، و رویکرد بیش از حد نقادانه‌اش موجب خروج وی از انصاف علمی شده است. (Dussaud ۱۳۳-۱۳۴: ۱۹۱۳). نقد دیگری که براو وارد است رویکرد گزینشی اودر قابل داده‌های تاریخی است. او منصفانه و محققانه در معرض منابع قرار نمی‌گیرد. برای مثال وقتی از جایگاه زن و حقوق وی در سنت اسلامی سخن می‌گوید، فقط به روایات خاص و شاذ رجوع می‌کند و ادبیاتی غیرمعمول در ترسیم تصویر شخصیت‌های اسلامی بکار می‌گیرد. (2004 Rocalve: 128) این در حالی است که او نه احاطه لازم و شناخت کافی را بر مسائل اسلامی و فقه آن و بویژه حقوق زن دارد و نه توان تحلیل و تبیین مسائل حقوق اسلامی را درباره زنان و حتی در سیره نبوی می‌تواند داشته باشد. نوشتار عجولانه او در باب حقوق زنان و مقایسه آن با سایر ادیان موید همین نوع نگاه غیر عالمانه و متعصبانه او به مساله زنان است. او از این منظر نه تنها حقوق اسلامی را زیر سوال می‌برد بلکه، در ذهن تند او نقد دشمنانه آیین اسلام و فرهنگ اسلامی به گونه‌ای هدفمند آمده است.

هرچند لاثورا وچا والی‌پری اسلام‌پژوه ایتالیایی (۱۸۹۳-۱۹۸۹م) به ظاهر راه و روش متعصبانه، پرخاش گرانه، لامنس را درمقاله فاطمه، ویراست دوم دائرةالمعارف EI1 نپیمود. وی با اسلوبی علمی و روشی آکادمیک اما با همان منطق شرق‌شناسی به سراغ زندگی حضرت زهرا رفت و البته نتوانست از همان منطق لامنس و گلدزیه‌ر فاصله بگیرد. که این خود دلایل معلومی دارد که تشریح آن از حوصله این مقاله خارج است. مقاله ای که او نوشت دارای یک مقدمه و دو بخش کلی و ۲۸ عنوان جزئی یا به عبارتی سوتیتر و یک نتیجه‌نهایی بود. در یک نگاه کلی شاکله مقاله او در دو بعد تاریخی و افسانه‌ای تنظیم شده است. رویکرد ظاهری توصیفی اما پیکره ای انتقادی دارد. (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۲۴۶) دراین مقاله او می‌کوشد تا با قوام بخشی به استدلال‌های عقلانی ضمن برون رفت از تیررس مخالفان مسلمان، بخشی از واقعیت‌های تاریخی را بیان کند اما در این طریق او ناموفق است. گرچه می‌کوشد میان آراء مغرضانه لامنس و آراء ایدئولوژیک ماسینیون راهکاری میانه بجوید، اما به دلیل عدم رویکرد انتقادی به اشتباهات لامنس در تحریر مقاله فاطمه، و با خوانش افکار ماسینیون در باره فاطمه به تعبیری چون عارفانه هرگز موفق نیست. این درحالی است که در جای جای مقاله نوشته‌ها و تحلیل‌های ماسینیون را در باره فاطمه‌ناشی از تجربه‌های خارق العاده دینی و عارف مسلکانه می‌داند. او در بخشی از مقاله فاطمه را اسطوره نامیده است و درک ماسینیون از رفتارهای کاریزماتیک فاطمه را نتوانسته بپذیرد. این درحالی است که در اغلب اخبار اختلافی رای لامنس را بر ماسینیون ترجیح داده است. تشکیک‌های والیری به سن فاطمه و ترجیح اقوال اهل سنت در دیر ازدواج کردن فاطمه و حتی فقیر و تنگدست دانستن علی (ع) به عنوان مانعی جدی در ابرازپیشنهاد ازدواج جمله تفسیرهای او از وقایع تاریخی است



مقاله پژوهشی



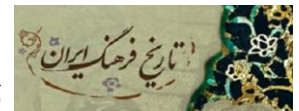
حال آن که منابع تاریخی هیچ یک استدلال های او را تایید نمی کند. (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۲۵۶-۲۵۹) او در تمام این مقاله تلاش دارد خانواده علی را تنگدست معرفی کند و در متن آن بر طبل مشاجرات علی و فاطمه می کوبد و به "شدت و خشونت" علی در خانه اشاره می کند!!!! (همان: ۲۶۲) و لقب ابوتراب را برای علی موید بد اخلاقیدر خانه و بیتوته در مسجد می داند، حال آنکه با رجوع به تاریخ طبری به راحتی تبیین این لقب آسان بود. (طبری، ۱۹۶۷: ۱۵/۲)

یکی از نقدهای جدی که به مقاله والیری وارد است، ایجاز و اختصار در جایگاه و نقش فاطمه در رخداد های تاریخی است. این ایجاز به کم اهمیت بودن رخدادها و نقش او منجر می شود. او اخبار را تنها در معدودی از منابع اهل سنت جستجو می کند حال آنکه می توانست بر دامنه منابع خود بیفزاید و بر حقیقت تاریخی صحه گذارد. (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۲۶۸-۲۷۴)

وِرنا کِلِم (۱۹۵۶م) استاد شرق شناس شهیر آلمانی که مقاله فاطمه را در ویراست سوم با ۴۰۱۴ کلمه نگاشت، به دلیل آشنایی نویسنده با ادبیات شیعه بویژه اسماعیلیه، مدخل فاطیما از فضای گفتمانی مناسب تری نسبت به دو مقاله پیشین داراست. اما او نیز نتوانست از هیمنه استشراق و اهداف مسلط بر آن، برهد. انتخاب منابع و رجوع مکرر به منابع اهل سنت و برخی متون تاریخی خاص مانند طبقات الکبری، چینش مطالب و گزینش داده های تاریخی یکسویه مقاله فاطمه را در دائرة المعارف سوم EI1 در همان سطح پیشین نگه داشت و نتوانست چهره متعادلی از حضرت فاطمه متناسب با باورهای مسلمانان ارائه دهد. این درحالی است که مراجع پژوهشی او کماکان هنری لامنس در مدخل les flues de Mahomet (1912) Fatima et و اولیری، بود، صراحتاً مطالعه خود را از نیز کسانی چون: داونر (Donner)، گانتر (Gunther)، گیرتز (Geertz) و کماکان لامنس، کلبرگ، استوسر، ایوب (Ayoub)، هالم، مک اولیف (McAuliffe) آیسر، اسپلبرگ، روت رودد، والیری، مادلوناگ (Madelung)، اِکر (Echer) و اِسمیت (Smith) بهره جسته است. (Klemm, V. 2005: 181-208)

او در ابتدای مقاله حضرت فاطمه او را بانویی تحسین برانگیز قلمداد می کند اما در رویکردی عجولانه از شخصیت حضرت فاطمه را براساس منابع اهل سنت تصویر می کند و منابع شیعیان را خیالی و اسطوره گونه دانسته است (پورصالح کچومثقالی، و شهلا بختیاری، ۱۴۰۳: ۲).

وی در مقاله اش به این نتیجه رسیده است که جهان تاریخی درباره حضرت فاطمه گاهی به صورت انسانی عادی و مطلوب و گاهی انسانی والا دارای مکارم اخلاق و فضایل اخلاقی و معنوی قضاوت می کند. که این برداشت به مرور با جهان خیالی در ادبیات شیعی، همراه می شود و در این ورطه با افسانه های مقدس خیالی آمیخته شده و در منابع شیعه باقی مانده است. (Klemm, V. 2005: 181-208) او نیز در ترسیم تصویر حضرت زهرا برای او شخصیتی تاریخی و شخصیتی



مقاله پژوهشی

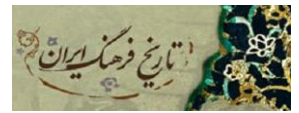


افسانه‌ای و خیالی متصور شده است. کلم نقش‌های فاطمه(س) را در ادوار مختلف با جنبه‌های فرابشری در منابع شیعه جستجو کرده است. او گزارش‌های روایی را داستان‌سرایی قلمداد کرده است و اساساً تصویر فاطمه در ادبیات شیعه را نمی‌پذیرد.

شاخص‌های مقالات هر سه این نویسندگان را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

با یک بررسی کلی و مقایسه میان سه مدخل فاطمه در دائرةالمعارف سه گانه اسلام که در بازه‌های زمانی طولانی از ۱۹۱۳ میلادی تا ۲۰۰۷ میلادی به نگارش در آمدند می‌توان شاخص‌های ذیل را با رویکردی انتقادی فهرست کرد:

۱. عمده مدخل‌ها ادبیاتی روان و عامه فهم دارند.
۲. اغلب این مدخل‌ها فاقد مفاهیم و اصطلاحات درخور توجه دستکم تاریخی هستند. رویکرد عجولانه در تبویب آنها موج می‌زند.
۳. عدم بی طرفی و وجود سوگیری و نادیده گرفتن واقعیت‌های تاریخی متکی بر منابع اصیل؛
۴. عدم توجه به منابع شیعه و دستکم مقایسه داده‌های منابع شیعه با منابع اهل سنت؛
۵. فقدان رویکرد جستجوگرانه برای یافت حقیقت و یا رویکرد مقایسه ای روایت‌های تاریخی؛
۶. عدم فاصله گرفتن از مقالات پیش نوشته‌ای چون مدخل ویراست اول که توسط لامنس نوشته شد.
۷. عدم درک درست از ارزش‌های فکری و ایدئولوژیکی شیعیان و باور آنها نسبت به فاطمه و جایگاه او در جامعه اسلامی.
۸. فقدان پایبندی به زمان و تاریخ رخدادها چنانکه نویسندگان این مدخل‌ها بویژه لامنس در تعریف و توصیف اهل بیت پیامبر (ص) از موقعیت‌های حال و گذشته ساده، مجهول و حال کامل استفاده می‌کند. و همین موجب شده است تا زمان دقیق رخدادها مشخص نشود، برای نمونه او در وهله نخست، واقعه مباحله را قبول دارد و از اهمیت جایگاه اصحاب کساء در میان شیعیان آگاه است اما با تکیه بر کاربرد فعل حال کامل در این بخش قصد بیان یک نکته دیگر را دارد. زیرا موقعیت فعلی مذکور درباره نتیجه عملی مهم مورد استفاده است و لامنس در اینجا می‌خواست از نتیجه اصحاب کساء به‌عنوان یک ابزار برای برتری شیعیان تفسیر کند. وی جهت تأیید سخنان خود به آیه ۶۰ سوره مبارکه آل عمران ارجاع می‌دهد که نامی از حضرت زهرا (س) و یا امام علی (ع) در آن مشاهده نمی‌کند و مصداق اهل بیت همانا همسران پیامبر (ص) می‌باشد. این انکار در صورتی است که در طی تشریح اصحاب کساء به حضور امام و حضرت فاطمه (س) اشاره دارد و در آن جا نیز از موقعیت فعلی حال کامل استفاده می‌کند. والیری حل می‌شود و به‌طور کلی تفسیر لامنس از اهل بیت و آیه مذکور را نادرست اعلام می‌نماید.



مقاله پژوهشی



این زن اسلام شناس، بر غفلت یا عدم توجه مدخل اول درباره کاربرد ضمائر جمع مذکر آیه مذکور اشاره دارد که منجر به یک تفسیر نادرست از مفهوم اهل بیت پیامبر (ص) شد.

۹. وجود انکار تناقضی در ویراست اول نسبت به ویراست های دوم و سوم مدخل فاطمه بیشتر است. خواننده محترم بایست به عنوان منتخبی ولیری در این بخش توجه کند که حضرت زهرا (س) را از پنج تن و اهل بیت (س) معرفی می کند؛ درواقع، او بنابر تقسیم بندی منابع شیعه و سنی این انتخاب را نداشته و بر حقیقت وجودی حضرت در این حلقه توجه دارد. چنانچه برای ختم سخنان خود و اثبات ادعایش به آیه ۳۳ سوره مبارکه احزاب می پردازد که پیامبر (ص) هر روز هنگامه نماز صبح بر خانه فاطمه (س) حاضر می شد و این آیه تطهیر را می خواند. بنابراین، ما در ویرایش دوم سال ۱۹۶۴ مدخل فاطیما (س) دانشنامه اسلام، لایدن شاهد یک حرکت اثباتی در حوزه دینی هستیم که البته این روند در چاپ دوباره سال ۲۰۰۷ کماکان ادامه داشت اما تنها مختصر و گذرا، آن هم دوباره با تقسیم بندی منابع سنی و شیعی. سوای از آن، دیگر مباحثه و اصحاب کسا یا به طور کلی مفهوم اهل بیت (س) دارای بار اغراقی در تحلیل جدید ورنا کلم هستند، بدین خاطر از فعل گذشته ساده استفاده می کند تا فقط به کوتاهی این مسائل اشاره نماید.

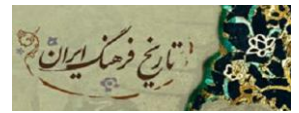
۱۰. غفلت از نقش سیاسی فاطمه در مقاله لامنس و برعکس تاکید دو ویراست دوم و سوم بر نقش سیاسی حضرت در وقایع پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)

۱۱. ترسیم زنی بیمار و ناتوان و بسیار ضعیف توسط لامنس.

۱۲. مداخل اول و سوم دانشنامه چندان به نقش قوی و فعال سیاسی زهرا (س) برابر حرکات خلیفه قائل نیستند. اما می توان گفت که هر سه مدخل با توجه بر تفاوت نوشتاری نسل، به برخورد دو بینش مخالف جهت تعیین موضع قدرتی و میراث پیامبر (ص) تمرکز دارند.

۱۳. نویسندگان سه مدخل در سه ویرایش متوالی، درباره حضور و حقوق اجتماعی و یا حقوق ناشی از هبه، حضرت زهرا (س) و رفتار زورگویانه با ایشان.

۱۴. شدت و ضعف توصیف ماجرا، در گرو نگرش صاحبان قلم است. بدین ترتیب که لامنس چگونگی مخالفت حضرت با موضوعات جانشینی و فدک را به صورت واکنش های منفی و مثبت ارزیابی می کند. این حرکات به ویژه در زمان مسئله فدک و پاسخگویی قوی فاطمه (س) مقابل سخنان خلیفه، هرچند در قالب جملاتی کوتاه توسط این کشیش مسیحی مهم جلوه می نماید زیرا موجب بازگشایی یک مسیر جهت بیان یک حقیقت تاریخی در کتب مرجع اسلام شناسی غرب می شود. مدرک ادعای ما قلم ولیری در این حوزه است که او به حضرت عنوان فعال سیاسی می دهد. زیرا وی از فشار مخالفان برای ورود به



مقاله پژوهشی



خانه و بیعت اجباری از اهالی خانه، به خصوص از حرکت برخی جهت آتش زدن بیت ایشان اشاراتی دارد. این توصیف‌های والیری اگرچه متکی بر کتب شیعه و سنی در کنار هم است اما او به فرمایشات زهرا (س) درباره تضییع حقوق ایشان و مسئله جانشینی پیامبر اکرم (ص) ارجاع مستقیم بدهد.

۱۵. علاوه بر آن، والیری به حضور حضرت مقابل انصار برای بیعت با امام علی (ع) اشاره دارد که مجموع این تعاریف در موضوع جانشینی، اسلام‌شناس ایتالیایی را وادار به تعظیم مقابل دختر پیامبر (ص) در مقام یک فعال سیاسی صدر اسلام می‌نماید. چنان‌چه والیری در توصیف موضوع فدک نیز همین روند را تکرار کرد.

نتیجه

بررسی‌های به عمل آمده نشان داد که نویسندگان مدخل فاطمه زهرا (س) در سه ویراست دائرالمعارف اسلام مستشرقانی اسلام شناس با پیش فرض‌های اثبات شده هستند که بخش مهمی از درک آنها به ناشناختگی از اصول و فروع اسلام باز می‌گردد و همین ناآشنایی موجبات بدفهمی مستشرقان از تاریخ اسلام را ایجاد کرده است. شاخصه‌ها و مولفه‌های مدخل‌های مورد نظر چیست ادعای افسانه‌ای پنداشتن فاطمه و اوهام دانستن جایگاه اعتقادی او در منابع شیعه، به صاحبان این مقالات رویکردی شاذ و غیر قابل پذیرش داده است. تحقیقات نشان داد نوشته‌های این محققان اسلام شناس عاری از سوگیری نیست. آنان باورهای غلط غلات را در زمره رفتارهای مسلمانان شیعه قلمداد کردند و فاطمه را در آئینه آنان ترسیم کرده بعد خیالی و افسانه‌ای به او داده‌اند. تحقیقات نشان داد رویکرد کل گرایانه و غفلت از اجزاء حقیقت ساز رخداد‌های تاریخی باعث شده است تا مقالات حضرت زهرا به نسبت برخی مقالات مطول نباشد این رویکرد جزمی در مطالعات دائرالمعارف به اساس شخصیت تاریخی چون فاطمه لطمه زده است. علاوه بر این مشکلات روشی، نگارشی، در تدوین هر سه مقاله مشهود است اما مقاله لامنتس از میان آن دو به آفت سوگیرانه بیشتر آلوده است. بررسی‌ها نشان داد گفتمان شرق‌شناسی لطمه اساسی به ویراست نخست زد و آن را از حیز انتفاع ساقط کرد لیکن به دلیل همسویی نویسندگان بعدی مدخل فاطمه (اولیری و کلم) با گفتمان خاورشناسی مغرضانه کماکان در محتوای متن از مقاله نخست فاصله نگرفتند لذا فضای نوشتاری این مقالات می‌تواند در حوزه مطالعات شرق‌شناسی عامدانه متکی بر سرشت اسلام هراسی قرار گیرد. به نظر می‌رسد در ویراست دوم و سوم این روحیه ستیزه‌گری با شیعه و اسلام هراسی تعدیل شده است اما از بین نرفته است.

منابع

- ۱- اسعدی، مرتضی، ۱۳۸۱ مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی زبان: از آغاز تا شورای دوم واتیکان، تهران، انتشارات سمت.
- ۲- ادبی، محمد جواد، ۱۳۸۴، دایره المعارف اسلام مدرن، اخبار ادیان، شماره ۱۶، آبان و آذر.

مقاله پژوهشی



- ۳- ایمان محمد تقی، ۱۳۹۱. روش شناسی تحقیقات کیفی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱، ص ۱۳۲. ابن عبدالله القاسم، خالد، ۱۴۰۳، مفتریات و اخطاء دایره المعارف الاسلامیه دائرةالمعارف الاسلامیه، چاپ اول، الرياض: دارالشمیعی للنشر و التوزیع.
- ۴- پورصالح کچومثقالی، مهدیه و بختیاری شهلا ۱۴۰۳، تحلیل تصویرسازی و رنا کلم از شخصیت حضرت فاطمه (س) مجله پژوهشهای تاریخی، سال شانزدهم، شماره یکم (پیاپی ۱۶)، بهار ۱۴۰۳، ۱-۱۹.
- ۵- جان احمدی، فاطمه؛ خضری، سید احمد؛ صفری فروشانی، نعمت‌الله؛ رنجبران، داود؛ ۱۳۹۲، توصیف و تبیین یهودی سازی تاریخ اسلام (با تاکید بر دایره المعارف اسلام، مجله مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، تابستان ۱۳۹۲، سال هفدهم - شماره ۲، ص ۳۵۳ تا ۳۹۰.
- ۶- جان احمدی، فاطمه، ۱۳۸۸. تصویر حضرت محمد(ص) و حضرت زهرا(س) در دایره‌المعارف اسلام، ترجمه و نقد، قم، انتشارات شیعه شناسی.
- ۷- جان احمدی، فاطمه، بایرام، مائده، ۱۴۰۲، جستاری در روش‌های ساخت تصویر اسلام‌هراسانه در غرب، مطالعه موردی مدخل‌های صدر اسلام در دائرةالمعارف اسلام EIJ2 مجله مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۱۲، شماره ۴، پیاپی ۴۸، زمستان ۱۴۰۲.
- ۸- رودگر، قنبرعلی، ۱۳۹۳، مدخل دانشنامه نگاری، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج ۱۷، تهران.
- ۹- سحاب، ابوالقاسم، ۱۳۱۷، فرهنگ خاورشناسان، تهران، طبع کتاب.
- ۱۰- سعید جازاری معمولی ۱۴۰۱، نقد روشی دیدگاه‌هانی لامنس درباره حضرت فاطمه (ع) در کتاب فاطمه و دختران محمد (ص) مجله شیعه پژوهش سال هشتم، شماره بیست و دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ص ۲۸۲-۳۰۸.
- ۱۱- جندقی، بهروز، ۱۳۸۲، مهدویت از دیدگاه دین پژوهان و اسلام شناسان غربی دایره المعارف اسلام، مجله انتظار، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۸۲.
- ۱۲- دانشنامه ایران و اسلام.
- ۱۳- رنجبران، داود، ۱۳۹۳، بررسی تأثیر گفتمان یهودی در برخی از مقالات دایره‌المعارف اسلام، فصلنامه پژوهشنامه‌ی تاریخ اسلام سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز ۱۳۹۳، ص ۹۹-۱۲۴.
- ۱۴- نوری، محمد، ۱۳۷۷، کارنامه ایران‌شناسی در آمریکا، مجله یاد، شماره ۵۱ و ۵۲.
- ۱۵- نوری، محمد، ۱۳۸۴، دایره المعارف اسلام، کتاب ماه، دین، شماره ۹۹، تهران.

Bosworth, Edmund. (1978): "Report on the Encyclopaedia of Islam", *Bulletin (British Society for Middle Eastern Studies)*, Vol. 5, No. 2101-103;

EI1, Publishers' preface. 1987

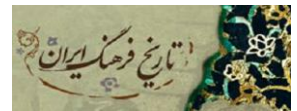
Encyclopaedia of Islam Three, Brill, July 21, 2013

Giard, Luce; de Vaucelles, Louis, (1991) *Les jésuites à l'âge baroque (1540-1640)*, *Actes du colloque tenu à Chantilly en juin 1991*, Jérôme Million.

Lammens, Henri (1912). 'Fatima et les filles de Mahomet: notes critiques pour l'étude de la Sira', Sumptibus Pontificii instituti biblici.

Dussaud, René (1913). "Henri Lammens Fâtima et les filles de Mahomet. Notes critiques pour l'étude de la Sira", *Journal des Savants Année*. Giard, Luce; De Vaucelles, Louis (éds.) (1996).

Klemm, V. (2005). "Fatima the daughter of the prophet Muhammad. Image Formation of an Islamic Legend", 58, 181-208



مقاله پژوهشی



Journal of Historical Researches, Vol 16, Issue 1, No. 61, Spring 2024

Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain & Ireland (New Series), Volume 79, Issue 1-2, January 1947, p 136.

Elton, L, Daniel, *Encyclopaedia of islam*, December 15, 2011, iranica encyclopaedia, August 18, 2013<http://www.iranicaonline.org>,

Les jésuites à l'âge baroque (1540- 1640). *Actes du colloque tenu à Chantilly en juin 1991*, Jérôme Million.

Le Berceau de l'Islam: l'Arabie occidentale à la veille de l'hégire (The Cradle of Islam: Western Arabia on the eve of the Hegira)

Mahomet futil sincere 5. Fatima et les filles de Mahomet (Fatima and the Daughters of MuhammadV, ROMAE, Sumptibus Pontificii Instituti Biblici, 1912.

<http://www.brill.com>, Encyclopaedia of Islam Three, brill, July 21, 2013

Rocalve, Pierre. 2004. Louis Massignon: *promoteur du dialogue islamo-chrétien, Horizons Maghrébins*. Le droit à la mémoire Année. <https://tarikh.nashriyat.ir/node/413>

Jane Dammen McAuliffe in Qur'anic Studies Online :*Encyclopaedia of the Qur'ān Online*

تضاد منافع

بدین وسیله نویسنده اعلام می‌دارد که هیچ نفع متقابلی از انتشار این مقاله ندارند.